

بررسی فقهی مسئله شبیه‌سازی انسان (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی محمدی
نویسنده کتاب: رسول نوری

چکیده

بررسی فقهی مسئله شبیه‌سازی انسان، کتابی در حوزه فقه پزشکی اثر رسول نوری است. نویسنده در این اثر ابتدا موضع ادیان مختلف را در برابر شبیه‌سازی بررسی کرده، سپس دیدگاه اهل‌تسنن را به صورت تفصیلی بررسی کرده است. به گفته مؤلف، بیشتر فقیهان اهل‌تسنن با استناد به دلایل کلامی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی شبیه‌سازی را حرام می‌شمردند، و تنها اندکی از آنان شبیه‌سازی را در مواردی جایز دانسته‌اند.

نوری در بخش دیگر کتاب، نظرات فقهای امامیه را تحلیل می‌کند و با رد استدلال‌هایی مانند تغییر در خلقت الهی یا مخالفت با سنت زوجیت، شبیه‌سازی را در محدوده زوجین جایز می‌داند. با توجه به روشن‌نبودن همه ابعاد شبیه‌سازی و پیامدهای آن، نویسنده شبیه‌سازی را در غیر محدوده زوجین جایز ندانسته، در حکم آن توقف کرده است؛ چنان‌که وی در مواردی مانند استفاده از رحم محارم یا رحم زنان شوهردار، به دلیل حساسیت شارع نسبت به نسب، قائل به احتیاط است.

نویسنده خرید و فروش تخمک و اجاره رحم را نیز به صورت مختصر بررسی کرده، آن را تحت شرایطی جایز می‌شمارد. همچنین وی صاحب تخمک را مادر اصلی انسان شبیه‌سازی‌شده و صاحب رحم را به منزله مادر رضاعی او معرفی می‌کند.

معرفی اجمالی

بررسی فقهی مسئله شبیه‌سازی انسان، کتابی در حوزه فقه پزشکی است. این کتاب را رسول نوری تألیف کرده و انتشارات زمزم هدایت در سال ۱۳۹۲ ش به زبان فارسی در ۲۴۸ منتشر نموده است.

ساختار و محتوای کتاب

کتاب با مقدمه‌ای از نویسنده و فهرست مطالب آغاز، و با فهرست منابع پایان می‌یابد. بدنه اصلی کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است. نویسنده حجم بیشتر کتاب (حدود سه‌چهارم کتاب) را به بخش نخست اختصاص داده و در آن علاوه بر کلیات و تاریخچه مسئله، موضع اهل‌سنت و ادیان دیگر (الهی و غیرالهی) را در مسئله شبیه‌سازی بیان کرده است. وی در بخش دوم احکام شبیه‌سازی را از نگاه فقهای امامیه مورد بحث قرار داده است.

رویکرد ایجابی و سلبی ادیان مختلف به شبیه‌سازی

نویسنده در بخش نخست کتاب، پس از واژه‌شناسی الفاظ مرتبط با مسئله و تعریف شبیه‌سازی (ص ۱۷-۲۵) تاریخچه پیدایش مسئله شبیه‌سازی را شرح داده (ص ۲۷-۳۸)، موضع سازمان‌های جهانی، کشورها و ادیان مختلف را در برابر این مسئله بیان کرده است.

به گزارش نویسنده، مذهب کاتولیک در مسیحیت، شبیه‌سازی را ناقض کرامت انسانی و حق حیات آنان می‌داند. از جمله دلایل آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تحمیل ویژگی‌های صاحب سلول بر شخص شبیه‌سازی‌شده، نقض‌شدن کرامت کودک، برده‌شدن انسان شبیه‌سازی‌شده برای دیگران، نشان‌دن انسان در جایگاه خدا، و تناقض شبیه‌سازی با نظام اخلاقی و اراده الهی (ص ۴۵-۴۸).

در بین مذاهب مسیحیت، پروتستان‌ها مشکلات شبیه‌سازی را قابل رفع دانسته، معتقدند کلیسا نباید نسبت به پیشرفت تکنولوژی و آزمایش‌های پزشکی رویکرد منفی داشته باشد (ص ۵۰). برخی اندیشمندان بودایی نیز شبیه‌سازی را نوعی چرخه حیات برشمرده، آن را به نفع زوج‌های آرزومند فرزند قلمداد کرده‌اند (ص ۵۶-۵۷).

ادله فقیهان اهل سنت بر حرمت شبیه‌سازی رسول نوری در ادامه بخش نخست، دیدگاه اهل سنت را درباره شبیه‌سازی به صورت تفصیلی بررسی کرده است. به گفته او، اکثر قریب به اتفاق اهل سنت با استناد به ادله کلامی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی، با شبیه‌سازی مخالفت کرده‌اند (ص ۵۹). در مقابل این اکثریت، برخی عالمان سنی مذهب با پاسخ از ادله حرمت شبیه‌سازی، در مواردی آن را جایز دانسته‌اند (ص ۱۳۱-۱۳۴). مؤلف ضمن توضیح برخی اصطلاحات فقهی اهل سنت، مانند قیاس، استحسان، مصالح مرسله و فتح ذرایع (ص ۸۵-۹۹)، دلایل ایشان را بر حرمت شبیه‌سازی توضیح داده، سپس نقد کرده است (ص ۶۰-۸۴؛ و ص ۱۰۱-۱۳۵). وی در پایان این بخش، دیدگاه‌های عالمان اهل سنت درباره نسب انسان شبیه‌سازی‌شده (ص ۱۳۵-۱۴۰) و مشکلات اخلاقی-اجتماعی شبیه‌سازی انسان را گزارش می‌کند (ص ۱۴۲-۱۵۲).

شبیه خلق و اعجاز برخی عالمان اهل سنت با این استدلال که شبیه‌سازی، اعجاز خدا در تولد حضرت عیسی (ع) را با چالش مواجه کرده، انسان را در خالقیت به خدا شبیه می‌سازد، شبیه‌سازی انسان را حرام دانسته‌اند. نویسنده این دلیل را با پاسخ نقضی رد کرده است. به گفته او، لازمه پذیرش چنین استدلالی این است که استفاده از وسائل سونوگرافی برای تشخیص جنسیت جنین حرام باشد، چرا که بر اساس آیه ۳۴ سوره لقمان، علم به جنسیت جنینی که در شکم مادر است، به خدا نسبت داده شده است (ص ۶۰-۶۳).

مخالفت با اراده الهی و تغییر در خلق الله بر اساس آیه ۵۰ سوره شوری خدا برخی را عقیم کرده است. برخی عالمان سنی استفاده از شبیه‌سازی انسان را مخالفت با این اراده تکوینی خدا و حرام برشمرده‌اند (ص ۶۴). همچنین با استناد به آیه ۱۱۹ سوره نساء و برخی روایت‌ها گفته شده، هرگونه تغییر در مخلوقات خدا (حتی تغییراتی مانند خال‌کوبی، فاصله‌انداختن بین دندان‌ها و کندن مو) از جمله شبیه‌سازی انسان، حرام است (ص ۶۷-۶۸).

رسول نوری علاوه بر اینکه تخلف از اراده تکوینی خدا را محال دانسته، تخلف و معصیت را تنها مربوط به تشریعات می‌داند (ص ۶۶). نویسنده پس از بیان نکات تفسیری درباره آیه ۱۱۹ سوره نساء، تنها تغییراتی را که موجب اضلال انسان‌ها شود، حرام می‌داند و معتقد است این آیه چنین اطلاقی ندارد که همه تغییرات را دربرگیرد (ص ۶۹-۷۰).

مخالفت با سنت زوجیت و سنت تنوع
بر اساس آیه ۴۹ سوره ذاریات، خدا هر موجودی را به صورت زوج آفریده است و زوجیت اصل
حاکم در عالم هستی به‌شمار می‌آید. به گفته برخی عالمان اهل‌تسنن با شبیه‌سازی
سنت زوجیت از بین می‌رود (ص ۷۱). همچنین بر اساس آیه ۲۲ سوره روم، اختلاف انسان‌ها
و تنوع آنها از نشانه‌های الهی قلمداد شده، در حالی که شبیه‌سازی این تنوع را از بین
می‌برد (ص ۷۶-۷۷).

به نظر نویسندگان، با اثبات سنت زوجیت در عالم، نمی‌توان سنت‌های دیگر را نفی کرد. در
عالم سنت‌های دیگری نیز وجود دارد، چنان‌که برخی موجودات تنها با وجود تخمک جنس
ماده و به صورت بکرزایی به وجود می‌آیند. علاوه بر اینکه میل به جنس مخالف در بشر
نهادینه شده و این میل حتی بعد از شبیه‌سازی از بین نمی‌رود و سنت زوجیت باقی
می‌ماند (ص ۷۵). همچنین او با استناد به سخن متخصصان، تشابه صددرصدی انسان‌های
شبیه‌سازی‌شده را انکار کرده، معتقد است، انسان‌های شبیه‌سازی‌شده در تمام ژن‌ها
مشابه یکدیگر نیستند (ص ۷۸-۸۰).

اختلاط در انساب
برخی فقیهان اهل سنت با تشبیه شبیه‌سازی به نکاح استبضاع (نوعی نکاح در عصر
جاهلیت) آن را عامل مجهول‌شدن نسب‌ها و عملی حرام برشمرده‌اند (ص ۱۰۱-۱۰۲).
نویسندگان اختلاط انساب را تنها در مواردی ثابت می‌دانند که سلول‌ها از بانک نگهدارنده تأمین
شوند، اما در موارد دیگری که سلول و تخمک از شخص معین گرفته می‌شود، این اشکال
به وجود نمی‌آید (ص ۱۰۳).

منجرشدن شبیه‌سازی به کارهای حرام و مخالفت آن با لاضرر
در شبیه‌سازی و باردارشدن زن لازم نیست سلول از شوهر گرفته شود و زن می‌تواند سلول
را از زن دیگری بگیرد؛ از این رو زن به داشتن همسر نیازی نخواهد داشت و زن به دلیل
اشباع‌نشدن غرائزش، ممکن است به کارهای حرام اقدام کند. همچنین در فرض یادشده،
کودک متولدشده، کودکی بدون پدر خواهد بود که در آینده ضررها و آسیب‌های روحی و
عاطفی فراوانی را تجربه خواهد کرد؛ این در حالیست که با استناد به قاعده لاضرر،
ضرررساندن به کودک ممنوع است (ص ۱۰۵-۱۰۷).

نویسندگان فرض یادشده (بی‌نیازی از ازدواج با گرفتن سلول از غیر شوهر) را ناصحیح
می‌خوانند، چرا که ممکن است برای بارداری سلول زن دیگری استفاده شود، اما باز هم زن
گیرنده سلول، با مرد دیگری ازدواج کند. وی همچنین تفسیر یادشده از قاعده لاضرر را تنها
تفسیر آن نمی‌داند و در ادامه تفسیرهای مختلفی از آن ارائه داده که مطابق برخی آنها
اشکال مرتفع می‌شود (ص ۱۰۸-۱۱۳).

قاعده «درء المفسد مقدم علی جلب المنافع»
از جمله دلایلی که اهل سنت بر منع شبیه‌سازی اقامه کرده‌اند، قاعده «درء المفسد مقدم
علی جلب المنافع» است. بر اساس این قاعده در صورتی که انجام عملی هم مصلحت و
هم مفسده داشته باشد، جانب مفسده مقدم شده، از بروز مفسد جلوگیری می‌شود.

این در حالیست که مفسد شبیه‌سازی بیشتر از مصالح توهمی آن دانسته شده است (ص ۱۲۳-۱۲۵).

نگارنده علاوه بر اینکه مستند این قاعده را در نزد امامیه، خبری ضعیف دانسته، معتقد است برای این قاعده در نزد عقلا ضابطه‌ای کلی وجود ندارد و عقلا در مواردی جانب مصلحت را مقدم کرده، اقدام به مفسده می‌کنند (ص ۱۲۸-۱۲۹).

احکام شبیه‌سازی از نگاه فقهای امامیه

رسول نوری در بخش دوم کتاب، دیدگاه امامیه را درباره شبیه‌سازی انسان بیان می‌کند. او ابتدا مبنای فقیهانی که بر اساس آن شبیه‌سازی انسان را به صورت مطلق منع کرده‌اند توضیح داده است. با توجه به اشتراک دلایل این دیدگاه با برخی ادله اهل سنت (تغییر در خلق الله و مخالفت با سنت تنوع انسان‌ها) بار دیگر آن ادله به صورت مختصر توضیح داده شده، نقد می‌شود (ص ۱۵۵-۱۵۹). مؤلف در ادامه صورت‌ها و فرض‌های خاصی را که فقیهان شیعه در جواز یا عدم جواز آنها اختلاف دارند، بررسی می‌کند و تذکر می‌دهد که در هیچ‌یک از صورت‌ها نباید فعل حرام دیگری، مانند نگاه به عورت و لمس بدن نامحرم، صورت گیرد (ص ۱۶۲).

نگارنده در پایان کتاب، به این نتیجه رسیده است که شبیه‌سازی انسان در محدوده زوجین اشکالی ندارد، ولی به لحاظ حکم اولی نمی‌توان به صورت وسیع آن را تجویز کرد. او با لحاظ عناوین ثانوی، تجویز شبیه‌سازی انسان را با مشکل مواجه دانسته و معتقد است، بهتر است تا روشن شدن همه جوانب این مسئله، از حکم کردن به جواز شبیه‌سازی در دایره وسیع، خودداری شود (ص ۲۳۸).

جواز ترکیب سلول مرد با سلول همسر در فرض حیات زوجین نویسنده شبیه‌سازی انسان در محدوده زوجین را ابتدا در دو فرض حیات ایشان و سپس در فرض وفات یکی از آنها بررسی کرده است. به گزارش نویسنده، در شبیه‌سازی انسان از سلول زوجین و در فرض حیات آنها، برخی فقیهان این مسئله را فاقد ادله قطعی و ظنی دانسته، اصل برائت عقلی و شرعی را جاری ساخته‌اند (ص ۱۷۷). در مقابل گروه دیگری اصل احتیاط را به عنوان اصل نخستین در این مسئله در نظر گرفته‌اند (ص ۱۶۶). ایشان برای مقدم‌ساختن جانب احتیاط بر جانب برائت به دو دلیل استناد کرده‌اند:

با توجه به حساسیت شارع نسبت به مسئله فروج و نَسَب، باید احتیاط کرد تا از اختلاط در انساب و تزلزل در بنیان خانواده و اجتماع جلوگیری شود. رسول نوری برای تبیین اصل احتیاط عبارت فقیهان را نقل کرده، توضیح می‌دهد (ص ۱۶۶-۱۷۰).

از روایت‌های متعددی استفاده می‌شود که باید در چنین مسئله‌ای به احتیاط عمل کرد. این روایات اگرچه درباره شبیه‌سازی انسان نیستند، اما از آنها رویکرد احتیاطی امامان نسبت به مسئله نکاح استفاده می‌شود (ص ۱۷۰-۱۷۶).

به نظر نوری، همه این احادیث بر مطلوبیت احتیاط دلالت دارند، اما از آنها نمی‌توان وجوب احتیاط در شبهات حکمیه (از جمله مسئله شبیه‌سازی انسان) را برداشت کرد. به گفته او با توجه به اینکه فرض مسئله مربوط به زوجین و حیات آن دو است، احتیاط در این مسئله جایی ندارد (ص ۱۷۵-۱۷۶).

جواز ترکیب سلول مرد با سلول همسر در فرض وفات یکی از زوجین با توجه به اینکه پس از فوت یکی از زوجین، ادامه زوجیت محل تردید است، نویسندگان در این پژوهش به بررسی جواز یا عدم جواز ترکیب سلول‌های آنها پس از مرگ یکی از طرفین پرداخته است. او منشأ این تردید را اعتباری بودن رابطه زوجیت و مشروط بودن بقای عرفی زوجیت به وجود خارجی دو شخص می‌داند (ص ۱۷۷). او برای بررسی بقای زوجیت در این فرض، دو دسته از آیات و روایات را بررسی کرده است:

آیاتی و روایاتی که در آنها از کلمه «زوج» یا «زوجه» برای چنین زن و مردی استفاده شده است؛ به گفته نوری، به کارگیری واژه «زوج» و «زوجه» در این فرض، برای اثبات مدعا کافی نیست؛ زیرا همانطور که یک واژه برای معانی حقیقی به کار می‌رود، برای معانی مجازی نیز استفاده می‌شود (۱۷۹-۱۷۸).

روایاتی که در آنها لمس و نگاه زوجین به همه اعضا و جوارح یکدیگر حتی پس از مرگ جایز دانسته شده است؛ مؤلف برای این منظور سه روایت را نقل کرده است که محتوای مختلفی دارند؛ برخی از آنها مطلق لمس و نگاه را جایز دانسته و بعضی دیگر نگاه کردن برای مرد را مطلقاً جایز اعلام کرده است؛ چنان‌که در برخی دیگر گفته شده، شوهر باید از روی پیراهن همسرش را غسل دهد (ص ۱۸۱-۱۸۵).

رسول نوری پس از بررسی روایت‌های مختلف چنین نتیجه گرفته است که بعد از وفات یکی از زوجین، رابطه زوجیت از بین می‌رود و آن دو در برخی آثار نسبت به یکدیگر، مانند بیگانه خواهند بود، هرچند انجام شبیه‌سازی تا پیش از اتمام عده جایز است (ص ۱۸۶). البته نویسندگان در بخش دیگری از کتاب انتقال سلول غیرجنسی مرد به تخمک زن بی‌گانه‌ای که شوهر ندارد را جایز دانسته، حرمت آن را بدون دلیل می‌خواند (ص ۲۰۳).

عدم جواز انتقال سلول به تخمک محارم دیگر و جواز آن نسبت به زن بی‌شوهر نگارنده پس از بررسی جواز انتقال سلول غیرجنسی مرد به تخمک همسر، جواز انتقال آن به تخمک غیرهمسر را بررسی کرده است. او در وهله اول انتقال سلول غیرجنسی به تخمک محارم دیگر را بررسی کرده است. وی برای این منظور به بررسی آیات و روایت می‌پردازد. در آیه ۵ تا ۷ سوره مؤمنون به لزوم حفظ عورت از غیر همسر دستور داده شده است. به نظر نویسندگان این آیه به آمیزش و لذت‌های جنسی اختصاص دارد و شامل موضوع بحث نمی‌شود (ص ۱۸۷-۱۹۰). روایات مربوط به این مسئله بر دو دسته‌اند؛ برخی از آنها بر حرمت قراردادن نطفه در رحم غیر همسر دلالت دارد و بعضی روایات دیگر به حکمت حرام شدن زنا، یعنی اختلاط انساب، اشاره می‌کند. نویسندگان پس از بررسی سندی و دلالتی این روایات، تمسک به این روایات را ناتمام دانسته است.

وی در ادامه ارتکاز قطعی متشرعین را دلیل دیگری بر این موضوع برمی‌شمارد. او با بیان این احتمال که ممکن است این ارتکاز از آداب و رسوم اجتماعی متشرعین تأثیر پذیرفته باشد، نه تدین آنها، استناد به این دلیل را ناکافی قلمداد می‌کند. با این حال نوری، مذاق شارع را بر مطلوبیت احتیاط دانسته، حکم به جواز را با مشکل مواجه می‌داند (ص ۱۹۰-۱۹۶).

عدم جواز انتقال سلول به تخمک زن شوهردار

رسول نوری، با استناد به ارتکاز متشرعه انتقال سلول غیر جنسی مرد به تخمک زن شوهردار را با مشکل مواجه می‌داند. وی در ابتدا نسبت به چنین ارتکازی مناقشه کرده، در ادامه آن را مطابق احتیاط می‌داند (ص ۱۹۷). او در فرض انتقال سلول به تخمک زن شوهردار (با چشم‌پوشی از جواز یا عدم جواز چنین عملی) دو مسئله دیگر را بررسی کرده است: ۱. لزوم مراعات عده برای زن شوهردار، ۲. وجوب نفقه زن شوهردار بر مرد صاحب سلول. او درباره مسئله نخست، پس از بررسی روایات مختلف، چنین نتیجه می‌گیرد که پس از انتقال سلول مرد به رحم زن شوهردار، همسر آن زن باید در آن مدت از آمیزش خودداری کند (ص ۲۰۱). وی همچنین با بررسی آیات و روایات دیگر، وجوب نفقه این زن را متوجه صاحب سلول دانسته، نه شوهر او (ص ۲۰۲-۲۰۳).

جواز خریدوفروش تخمک

نگارنده برای بررسی جواز خریدوفروش تخمک برای شبیه‌سازی، آن را در قالب جواز خریدوفروش نجاست و مردار بررسی کرده است. به نظر وی، تطبیق روایاتی که اجزاء و اعضای جداشده از حیوانات را نجس می‌داند، بر تخمک زنان چندان روشن نیست، چون این احتمال وجود دارد که آن روایات به اعضای روح‌دار انصراف داشته باشد و شامل اجزای کوچکی مانند سلول و تخمک نشود (ص ۲۰۵). نویسنده در ادامه این بحث را بر فرض مردار دانستن تخمک ادامه داده است. به نظر نوری، اگر چه روایات بهره‌گیری از میت را ممنوع دانسته، اما باید این مسئله را با در نظر گرفتن شرایط تحولی جدید در نظر گرفت، چرا که احکام تابع موضوع خود هستند (ص ۲۰۷). او با بررسی تحولات مختلف این موضوع، به این نتیجه رسیده است که خریدوفروش تخمک اشکالی ندارد؛ زیرا عقلاً انسان را مالک جسم خود می‌دانند و تصرفات او در جسمش (حتی خریدوفروش) را جایز می‌شمارند که شارع با آن مخالفت نکرده است (ص ۲۰۹).

اجاره رحم

نویسنده برای انجام عمل شبیه‌سازی انسان، به مطالعه مسئله فقهی اجاره رحم می‌پردازد. به نظر نوری، موانعی که برای اجاره رحم ذکر شده (مانند مشخص نبودن مدت زمان حمل) اشکال جدی در مسئله ایجاد نمی‌کند. با این حال وی جواز اجاره رحم را مشروط به جایز شمردن انتقال نطفه به رحم زن بیگانه می‌داند. او در مسئله جواز انتقال نطفه به رحم زن بیگانه، روایت‌ها و اقوال مختلف فقیهان را نقل کرده، ولی نتیجه نهایی را در این مسئله بیان نکرده است (ص ۲۱۰-۲۱۶).

پدر و مادر انسان شبیه‌سازی‌شده

نوری با پاسخ به شبهات مطرح‌شده درباره پدربودن صاحب سلول، نقش پدری را برای او ثابت می‌داند (ص ۲۲۴) و در ادامه به بررسی مادر انسان شبیه‌سازی‌شده می‌پردازد. او با بررسی روایات مختلف معتقد است، اگر شبیه‌سازی در محدوده زن و شوهر انجام شود (هم از نظر سلول و هم از نظر رحم) آن زن مادر انسان شبیه‌سازی‌شده به‌شمار می‌آید (ص ۲۲۹). اما در صورتی که سلول لقاح‌یافته به رحم زن دیگری منتقل شود، نسبت به مادر انسان شبیه‌سازی‌شده به لحاظ ثبوتی چهار احتمال وجود دارد: ۱. مادر نبودن هیچ‌یک از صاحب تخمک و صاحب رحم، ۲. مادر بودن هر دو، یکی مادر اصلی و دیگری مادر رضاعی، ۳. مادر بودن صاحب تخمک، ۴. مادر بودن صاحب رحم (ص ۲۳۰). نویسنده برای اثبات مادر بودن صاحب رحم، استناد به آیات و روایاتی که در آنها به مشقت دوران بارداری و وضع

حمل اشاره شده، ناکافی می‌داند (ص ۲۳۲)؛ از این رو، وی مادر حقیقی انسان شبیه‌سازی‌شده را صاحب تخمک معرفی می‌کند (ص ۲۳۳). او با استناد به روایات مادر رضاعی، و با توجه به رشد گوشت و استخوان کودک در رحم زن، جریان حکم مادر رضاعی در طفل شبیه‌سازی‌شده را به طریق اولی ثابت می‌داند (ص ۲۳۴-۲۳۷).

